

شیعیان لبنان

Shi'te Lebanon: Transnational Religion and The Making of National Identities. By Roschananck Shaery - Eisenlohr, New York: Columbia University Press, 2008, pp. 288

لبنان شیعی: دین فراملی و شکل‌گیری هویت‌های ملی اثر روشنگر شاعری - ایزنلور نوشته‌ای است مبتنی بر مجموعه‌ای از یافته‌های جدید تاریخی و مردم‌شناختی که در عین حال که از لحاظ شناسایی اصل موضوع یعنی شیعیان لبنان گامی اساسی به پیش است جوانبی چند از مناسبات پیچیده ایران و لبنان را نیز روشن می‌کند. در این کتاب تمامی شیعیان لبنان مورد توجه بوده‌اند و نه فقط گروه یا جناحی خاص از آنها، بنابراین بحث فقط به گروه حزب الله محدود نشده بلکه حزب امل و هواداران سید محمد حسین فضل‌الله را نیز در بر می‌گیرد.

سخن اصلی شاعری - ایزنلور آن است که «پیوندهای فراملی می‌تواند به شکل‌گیری ناسیونالیسم کمک کند و همبستگی‌های فراملی معمولاً در چارچوب خواسته‌های ملی ریشه دارند» (ص ۳). بر همین اساس با نشان دادن اینکه تصور و چشم‌انداز خاصی از لبنان شیعی تنها در مقطعی بارز و برجسته می‌شود که در برابر «دیگری» قرار گیرد - دیگر ایرانیان یا لبنانی‌های شیعی یا سایر لبنانی‌ها - این گفتار را پیش می‌برد که فراملی‌گرایی لزوماً در تقابل با ملی‌گرایی قرار ندارد. فعالان شیعی لبنان بر آن هستند که با قرار دادن جامعه به حاشیه رانده شده شیعی در دل سیاست‌های ملی و تصور ملی لبنانی‌ها از خود، چیرگی گفتار مارونی - مسیحی حاکم را زیر سؤال برند. شیعیان لبنان با گزینشی که از سیاست‌های فراملی

شیعی (و در این مورد به خصوص، فعالیت‌های ایران) به عمل می‌آورند، توانسته‌اند به احساس پرننگتری از ناسیونالیسم شیعی لبنانی دامن بزنند؛ ناسیونالیسمی که همان‌گونه که در لبنان شیعی نیز می‌خوانیم ساخت و پرداخت آن فقط به ایدئولوژی‌های نخبگان محدود نبوده بلکه از طریق فعالیت‌های نهادی شده و مباحث مربوط به زندگی روزمره نیز شکل می‌گیرد. به همین دلیل در این بررسی فرقه‌گرایی نیز لزوماً به معنای قطب مخالف ناسیونالیسم تصویر نشده است. برای نویسنده که معتقد است «... بر چسب فرقه‌گرایی بیشتر از سوی آن دسته از کارگزاران قوم‌گرا مطرح می‌شود که می‌خواهند از این طریق کسانی را که با فرادستی ناسیونالیستی آنها همسو نیستند...» از میدان خارج کنند (ص ۹)، این سمت و سو لزوماً مانعی در برابر شکل‌گیری یک لبنان متحد و قرین صلح محسوب نمی‌شود.

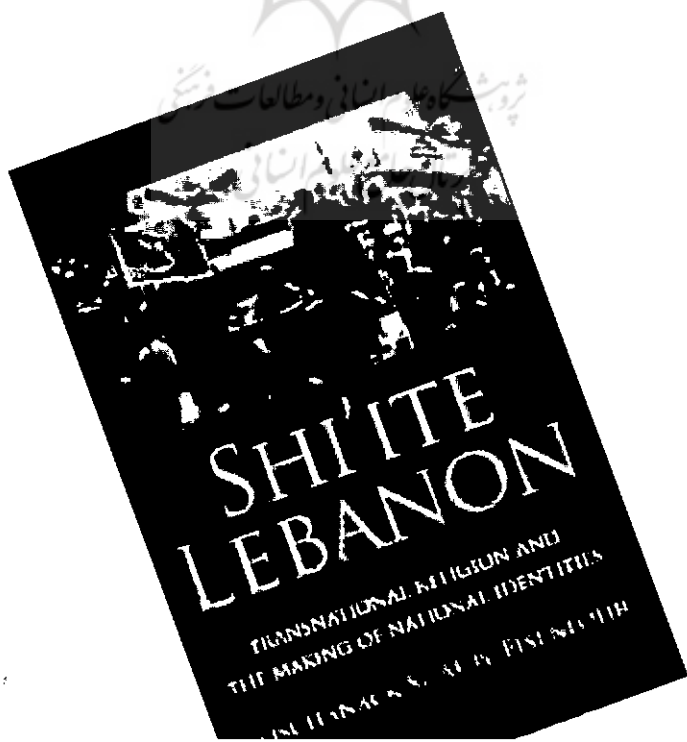
در فصل اول کتاب بر گفتار جدیدی از لبنانی بودن تأکید شده است که امام موسی صدر ارائه کرد؛ گفتاری که از طریق آن تغییر تصور غالب از لبنان در مقام یک ملت تسهیل شد. شاعری - ایزنلور بر این باور است که راز توفیق امام موسی صدر در زیر سؤال بردن هژمونی مارونی در آن است که ناسیونالیسم او بر اساس گفت و گو با ناسیونالیسم مارونی و به‌ویژه بازتولید واژه‌های سیاسی همزیستی استوار گشت و تأکید بر اذعان آشکار هویت‌های دینی به مثابه تنها راه‌های مشارکت و حضور در یک هویت لبنانی. در ادامه بحث نیز به تفاوت‌های گفتار امل و حزب‌الله در مورد مفاهیم شهروندی اشاره شده است. امل برای توضیح لبنانی بودن پیروانش از لحاظ فرهنگی گفتاری را در مورد خاستگاه خود پیش برد که در آن بر محرومیت شیعیان جنوب تأکید شده بود و وفاداری آنها در مقام شهروندانی لبنانی که بیش از همه از حملات اسرائیلی‌ها لطمه دیده‌اند و از این رو باید بر نهادهای دولتی تسلط بیشتری داشته باشند، حال آنکه حزب‌الله سعی دارد با تأکید بر گفتار و کردار شهادت، جهاد و مبارزه تام و تمام بر ضد صهیونیسم که بر نگره‌ای انقلابی از ناسیونالیسم استوار است تک تک افراد جامعه را دگرگون سازد.

در فصل دوم لبنان شیعی حوزه تحقیق به عرصه برآمد ناسیونالیسم معطوف می‌گردد که با توجه به اهمیت مجامع دینی - و نه دولت - در آموزش شهروندان، عرصه مهم و درخور توجهی است. شاعری - ایزنلور در این بخش اهداف آموزشی، مواد آموزشی (که توسط مراجع عالی شیعی برای مدارس امل و مدارس حزب‌الله تدوین می‌شود) و فعالیت‌های فوق برنامه سه مدرسه شیعی را شرح می‌دهد. به نوشته او سازمان امل سعی دارد با کم اهمیت جلوه دادن هویت شیعی اش - از طریق «سکولار» و محلی خواندن مدارس شان و اجباری ندانستن

حجاب - خود را به سطح بورژوازی مسیحی بالا بکشاند. تأکید بر پیوندهای فراملی حزب الله با ایران و لذا متهم داشتن آنها به عدم وفاداری نسبت به ملت لبنان نیز بخشی از این فرایند است.

گر چه تلاش ایرانیان برای آموزش زبان فارسی در مدارس شیعی به جایی نرسید زیرا زبان‌های فرانسه و انگلیسی ارجحیت بیشتری داشتند، ولی برخی از دیگر آموزه‌های ایرانی با مقتضیات لبنان قابلیت تطبیق بیشتری یافته و به حزب الله یاری رساند که بتواند جایگاه خود را در مقام یگانه پهلوان ناسیونالیسم عرب، ارتقاء دهد. برای مثال شیوه‌هایی چون توصیف صدام حسین به «یزید» در خلال جنگ ایران و عراق، در این حوزه نیز کارساز واقع شد و رواج تعبیرات مشابهی در قبال اسرائیل در بسیج عمومی برای مقاومت لبنان کارکرد گسترده‌ای یافت.

توصیف عناصر اصلی برنامه ملی حزب الله و به ویژه اصل دفاع از فلسطین، از جمله مضامین مورد بحث در فصل سوم است. نویسنده با اشاره به نزدیکی نظام پهلوی با مارونی‌های لبنان و فعالیت‌های نهضت آزادی - و یکی از اعضایش، مصطفی چمران که برای مدتی در لبنان مستقر بود - در مقام یک گروه مخالف نظام پهلوی و هوادار شیعیان لبنان، به توضیح روابط پیچیده‌ای می‌پردازد که از منظر تأکید و توجه به فلسطینی‌ها در میان گروه‌های شیعی ایرانی و لبنانی وجود داشت.



سرخوردگی گروه امل از ایران بعد از ناپدید شدن امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸ در لیبی در نهایت راه را برای آن گشود که گروه مزبور که با اندیشه ایرانی ولایت فقیه نیز همراه نبود به تدریج خود را یک حرکت ملی «سکولار» تعریف کرده و با اهداف و برنامه‌های مارونی‌ها که از مذاکره با اسرائیلی‌ها نیز ابایی نداشتند، همسویی بیشتری بیابد. در مقابل حزب‌الله با اشاره به فقدان انسجام و رهبری در میان شیعیان، تحقق این امر را تنها حاصل بیداری و رستاخیز حاصل از انقلاب اسلامی ایران می‌داند.

در فصل چهارم بحث عزاداری‌های دهه محرم مطرح می‌شود و ارتباط آن با نوع همبستگی با ملت لبنان. گروه امل با اشاره به خاستگاه جبل عاملی امام موسی صدر و نه ایرانی او، بر هویتی عربی تأکید دارند. فضل‌الله همانند امل در عرصه تلاش‌هایش برای احیاء و نوسازی تشیع، بر اساس یک گفتار ناسیونالیستی عرب حرکت کرده و در زمینه مرجعیت نیز دیدگاهی متفاوت از دیدگاه غالب در ایران دارد. یکی دیگر از نکاتی که شاعری - آیزنلور در این بخش بدان پرداخته آن است که نه امل، نه حزب‌الله و نه علامه فضل‌الله هیچ‌یک نتوانسته‌اند در پاره‌ای از اصول کار مانند نحوه برگزاری مراسم عاشورا به توافق دست یابند حال آنکه این امر از لحاظ فراهم آوردن زمینه انسجام و پیوند بیش از پیش در میان شیعیان برای رویارویی با چیرگی مارونی، امر مهمی است.

نقش سیاست‌های فرهنگی ایران موضوع اصلی فصل پنجم این کتاب را به خود اختصاص داده است. در پی انقلاب اسلامی، دور جدیدی از توجه و علاقه ایران نسبت به لبنان آغاز شد که تأسیس مرکز فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در لبنان یکی از نخستین نشانه‌های بروز آن بود. تأکید بر یک پیوند تاریخی دیرینه میان ایران و شیعیان لبنان یکی از اهداف اصلی این مؤسسه بود. اگر چه در سال‌های دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به دلیل مواضع ایران در هواداری از ایالات متحده، سیاست‌های ایران در توسعه آموزش زبان فارسی در پاره‌ای از مدارس شیعی لبنان با توفیق چندانی روبرو شد، ولی اینک اهمیت زبان فارسی در چارچوبی دیگر، در مقام زبان انقلاب اسلامی و پیوندهای دیرین ایران و جبل عامل، مورد تأکید است. دولت ایران در مقام نماینده رسمی اسلام شیعی انتشار مجموعه‌ای از کتب مرجع شیعی را نیز در لبنان و دیگر بخش‌های جهان عرب آغاز کرد.

یکی از دیگر نکاتی که در این بررسی مطرح شده آن است که برخلاف پاره‌ای از دیدگاه‌های رایج در این عرصه که مناسبات فراملی ایران و لبنان را نشانه‌ای از استمرار و تداوم رشته‌ای از مناسبات دیرینه‌تر می‌بینند - از جمله کتاب خویشان دور هوشنگ شهابی - لبنان شیعی بیشتر بر تفاوت‌ها تأکید دارد. اگر چه تلاش‌های ایران برای پر رنگتر شدن عنصر شیعی ملت لبنان

خود بخشی از یک چشم‌انداز کلی‌تر دیدگاه رسمی ایران در مورد نقش خود در جهان شیعی است ولی حزب الله خود را متحد و همراه ایران می‌داند و نه آلت دست آن.

لبنان شیعی در عین حال که با توسل به رویکردی تاریخی و همچنین مردم‌شناختی، از موضوع مورد بحث تصویری جامع به دست می‌دهد، از توجه به جنبه‌های «سبک‌تر» بحث نیز غافل نیست؛ از جمله لطیفه‌هایی که لبنانی‌های غیرشیعی در مورد شیعیان آن سامان بر زبان دارند و یا مطالبی که در فیلم‌های لبنانی یا اشعار و نقاشی‌های نشریات دانش‌آموزی منعکس می‌شوند. با آنکه در مؤخره کتاب نویسنده در مقام مقایسه مناسبات ایران و لبنان با مداخله آن کشور در عراق بعد از صدام تا حدودی از اصل مطلب دور می‌افتد، ولی این امر از ارزش کتاب به عنوان یک مأخذ مهم برای علاقه‌مندان به مضامینی چون اسلام شیعی، ملی‌گرایی و فراملی‌گرایی، مطالعات خاورمیانه و مناسبات ایران و لبنان کم نمی‌کند.



ژرف‌نگار
پرتال جامع علوم انسانی
ژرف‌نگار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی